

<p>امروز در تاریخ:</p> <p>کشته شدن کنتل محمدختی خان پسیان در خراسان (۱۳۰۰ ش)</p> <p>درگذشت رضا خندان، بازیگر (۱۳۸۹ ش)</p> <p>زادروز گاندی، رهبر بزرگ و بانی استقلال هندوستان (۱۸۶۹ م)</p>	<p>■ روزنامه فرهنگی، اجتماعی صبح ایران ■ صاحب امتیاز: سازمان صداوسیما جمهوری اسلامی ایران ■ مدیر مسؤول: مهدی عرفاتی</p> <div> <p>شاپا: ۳۶۳۷-ISSN۱۷۳۵</p> <p>پایگاه اطلاع رسانی: www.jamejamonline.ir</p> <p>www.jamejamdaily.ir</p> <p>پست الکترونیکی: info@jamejamdaily.ir</p> </div> <p>شنبه ۱۰ مهر ۱۴۰۰ ۲۵ صفر ۱۴۴۳ ۲۰ صفحه سال بیست و دوم - شماره ۶۰۴۶ Saturday - October 2, 2021</p>	<p>حدیث روز:</p> <p>پیامبر اسلام (ص): ایمان صبراست و بخشش.</p> <p>واحه:</p> <p>ساقی بیار باده و با محتسب بگو انکار ما مکن که چنین جام جم نداشت</p> <p>حافظ</p> <p>اوقات شرعی:</p> <p>اذان ظهر: ۱۷/۵۴ اذان مغرب: ۱۸/۵ اذان صبح (فردا): ۴/۳۷ غروب آفتاب: ۱۷/۴۷ نیمه شب شرعی: ۲۳/۱۲ طلوع خورشید (فردا): ۶/۱۰</p>
<p>حکمت ۲۵:</p> <p>سخن حکیمان اگر درست باشد داروست و اگر نادرست باشد، درد است.</p> <p>نهج البلاغه</p>	<p>وضعیت آب و هوای امروز</p> <p>تهران: ۱۷ / ۲۶ اصفهان: ۸ / ۳۰ ارdebیل: ۶ / ۸ بجنورد: ۷ / ۱۹ رشت: ۱۵ / ۱۸ زاهدان: ۱۱ / ۲۹ زنجان: ۶ / ۱۹</p>	

گزارش تصویری حامد عسکری از شهر کربلا پس از برگزاری پرشور اربعین

کربلا؛ شهری که دوست می دارم



حامد عسکری

شاعر و نویسنده

«مراسم پیاده روی اربعین تمام شده، با همه شور و شعور و هیجان و اشکش. حالا کرکه نوکری پایین آمده و تا سال آینده کی مرده کی زنده؟ من هنوز در کربلایم. تقریباً شهریه روال عادی اش برگشته و مردم دارند زندگی شان را از سرمی گیرند. هتل ها رزان شده و خیابان ها انگار پهن تر شده اند. شهرداری خیابان ها را شسته و تاکسی ها تا نزدیکی حرم می آیند. سيطرة ها (تفتیش بدنی) شل و ول تر می شود و در کفشداری و امانت موبایل ها، کمتر معطل می شوی. از استان های مختلف هرکه موکب داشت و خدمت می کرد، برگشته به شهرش. شب ها خیابان ها رسماً سوت و گور است و تو باورت نمی شود همان حرم تا هتلی که از حجم زائر، موکب، خودرو و رفت و آمد سوزن می انداختی به زمین نمی رسید و ده دقیقه طول می کشید تا پرستی، حالا رسماً هیچ کس در آن نیست و واقعات تنهایی. یک وقت هایی و هم برت می دارد و هول می کنی. دیروز صبح از هتل زدم بیرون و کمی چرخیدم، قدم زدم، قهوه خوردم و حال و هوای زندگی مردم کربلا را عکاسی کردم. شما هم ببینید خالی از لطف نیست.



در آن شلوغی و ترافیک، این «سکتوته» ها وسیله نقلیه بسیار دلپسندی است. هم قیمت مناسبی دارد، هم سریع می رود، خیلی جذاب و نسبتاً امن است برای بچه ها.

شیر در فرهنگ عرب مفهوم بلندی دارد. برایشان بسیار عزیز است و در گرافیتی های دیواری هم بسیار دیده شد.



احتمالاً اسم این آقا ابوعلی است. یک مغازه ۲ در ۳ داشت و چند تا لیوان و یک پمپ موتور یخچال که کار مکش انجام می داد. ابوعلی، خون مردم را به شیشه می کرد یا به قولی نانش در خون بود!



ترکیبی از طعم کشک و پنیر. خاصیتش کشنک بودنش بود، نمی دانم این را قالب زده اند یا واقعاً زنان با سلیقه عراقی آنها را بافته اند.



کربلا گیم نت هم دارد، این غول فلزی را گذاشته بودند جلوی یک گیم نت و صدای شور و هیجان بچه ها از طبقه بالا گوش پیاده رو را کر کرده بود.

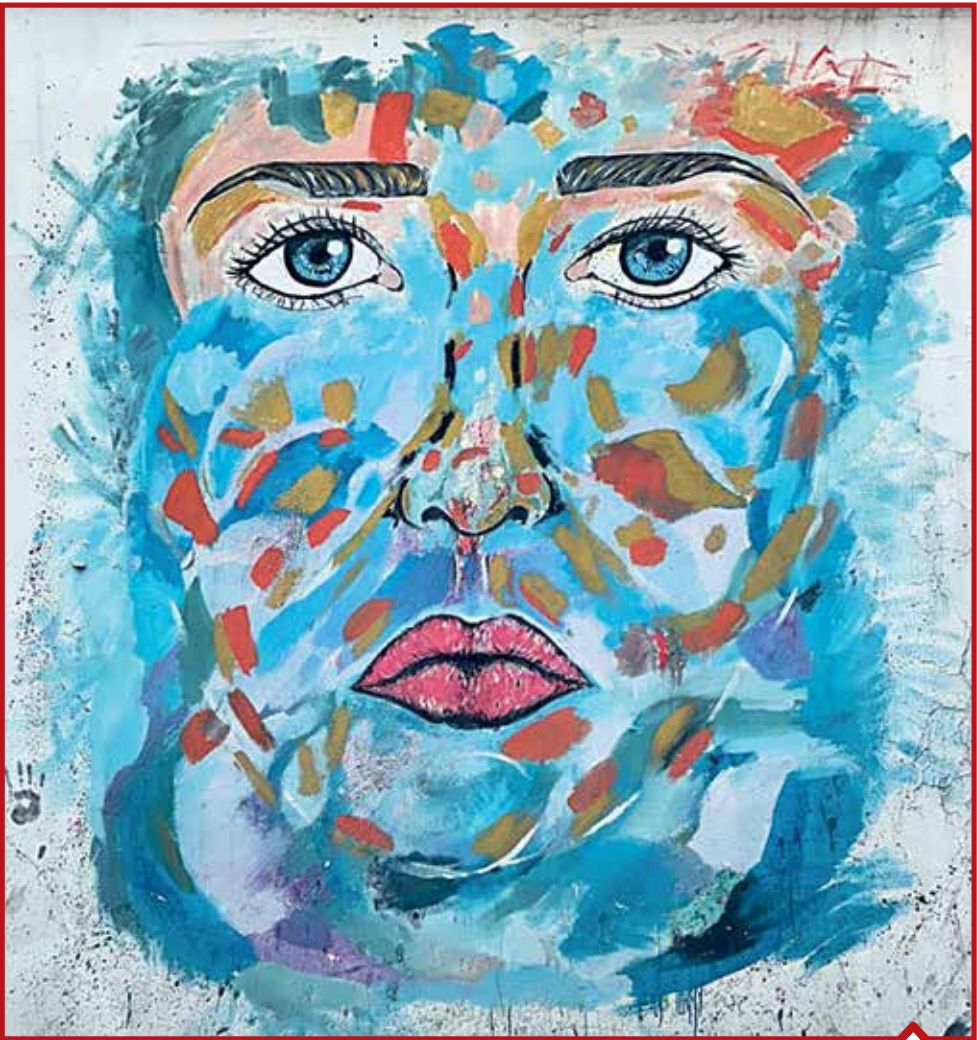
فصل مدرسه در عراق هم عین ما شروع شده بود. این مغازه روپوش مدرسه می فروخت و پر بود از مادرانی که برای خرگوش خانم های دندان افتاده، آمده بودند روپوش انتخاب کنند.



پنیر خانگی و معطر با طعمی عجیب که چند مدل سبزی داشت و بسیار خوشمزه بود.



ساخت و ساز با شدت و سرعت در حال انجام است. هتل، مال و برج است که بالا می رود. قطعاً تا چند سال دیگر ما با کربلایی مدرن، زیبا و سهل الوصول تر مواجه خواهیم بود.



توضیح ندارد، فقط این که این گرافیتی روی دیواره پلی بود با جزئیات و ترکیب رنگی که خنکا القا می کرد و آرامش.



«کافی تایم» یا «وقت القهوه» اسم کافه ای بود که تا بلوی بامزه ای داشت. پا سست کردم رفتم داخل. قیمت ها به نسبت ایران که کافه یک پز و گاهی لاکچری بازی محسوب می شود، واقعا منطقی بود. هوای خنک و عطر گرم قهوه، سیگار، وانیل و موسیقی ای که به احترام اربعین قطع بود.



اطراف حرم پر است از این کلوچه فروشی ها؛ خمیر و شکرو چیزی که باعث شود پف کنند. طعم شان مثل قیافه شان نیست. بعضی ها همین جوری زنبیلی پولش را می دهند و از مغازه می خرند و مغازه دار زنبیل را وسط خیابان می گذارد و مردم تبریکی و نذری برمی دارند.

فصل، فصل انتخابات شان است. همه جا پر است از بنر هایی با فیگورهای انتخاباتی. به زودی پارلمان عراق نمایندگان خودش را خواهد شناخت.

